مجله اقتصادی
شماره‌های ۱۱ و ۱۲، بهمن و اسفند ۱۳۹٤، صفحات ۱۱۸-۱۰۷

نگرشی بر مفهوم مالیه اسلامی با تأکید بر مالیات اسلامی زکات

مهدی مهدوی‌خو
کارشناس‌ارشد حسابداری
Mahdi.Mahdavikhou@gmail.com

رضا مهدوی‌خو
کارشناس‌ارشد مدیریت بازرگانی
Reza.Mahdavikhou@gmail.com

از مهم‌ترین اهداف اقتصادی دولت، تخصیص بهینه منابع، توزیع عادلانه درآمد، رشد اقتصادی، گسترش اشتغال، ثبات اقتصادی و حفظ سطح عمومی قیمت‌ها و نیز بهبود تجارت بین‌الملل و تراز پرداخت‌هااست و مالیات می‌تواند به‌عنوان ابزار سیاستی به دولت در جهت نیل به این اهدف، کمک نماید. دولت می‌تواند با استفاده از سیاست مالی که مالیات نیز یکی از ابزارهای آن است، نوسانات اقتصادی را کاهش داده و در ایجاد ثبات اقتصادی گام بردارد. به‌این ترتیب که هنگام رکود اقتصادی، دولت با اعمال سیاست مالی انبساطی و کاهش نرخ‌های مالیات، درآمد قابل تصرف افراد و در نتیجه تقاضا برای کالاها و خدمات را افزایش و رکود اقتصادی را تخفیف دهد و برعکس به‌هنگام رونق اقتصادی که اقتصاد با سطح بالای تقاضای کل مواجه است، نرخ‌های مالیاتی را افزایش و در نتیجه تقاضا برای کالاها و خدمات را کاهش دهد و به‌این ترتیب تا حدودی فشارهای تورمی را تخفیف دهد. از این‌رو، تبیین چیستی و چرایی فلسفه وجودی پایه‌های مالیاتی و شناخت مبانی و پایه‌های مختلف وصول مالیات جهت تحقق اهداف مالیاتی و همسان‌سازی این مبانی با اصول و قوانین اسلامی ضروری به‌نظر می‌رسد.این مقاله در تلاش است با نگرشی بر موضوع زکات به‌عنوان یکی از شاخه‌های مالیات اسلامی، به تبیین مفاهیم مالیه اسلامی بپردازد و عوامل مؤثر بر تحقق مالیات‌های اسلامی را بررسی نماید.

واژه‌های کلیدی: مالیه اسلامی، مالیات اسلامی، پایه‌های مالیاتی.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-23]

۱. مقدمه

امروزه مالیات به یکی از مبانی مشروعیت و مقبولیت حکومت‌ها تبدیل شده است.بر این اساس وجود نظام مالیاتی مطلوب منجر به تقویت مبانی دولت‌های مردم‌سالار و مسئولین پاسخگو خواهد شد. مهم‌ترین منابع مالی برای یک حکومت و دولت اسلامی؛ زکات، خمس، فی، زکات فطر، انفال، استقراض، چاپ و انتشار اسکناس، فروش اوراق قرضه و ... می‌باشند. مالیات اسلامی زکات را می‌توان به اصطلاح اقتصادی مالیات بر کالا نامید که به‌عنوان یک مالیات اسلامی به‌طور مطلق وعام در قرآن بیان شده است. اما از منظر اقتصادی، زکات، به‌صورت تئوریک، نتیجه یک موفقیت اقتصادی است که از سوی افرادی با مازاد درآمد سالانه با رعایت حد نصاب مشخصی به افراد فقیر پرداخت می‌گردد. این کار سبب افزایش قدرت خرید و افزایش تقاضا برای تحصیل کالا و خدمات می‌شود (احمد، ۱۹۷۷)

همچنین، زکات را می‌توان نوعی مالیات اجباری در جوامع اسلامی دانست که به‌منظور توزیع ثروت ثروتمندان در میان افراد نیازمند اخذمی‌گردد (زعیم، ۱۹۸۹). در مورد زکات به‌عنوان یک مالیات اسلامی، در بین فقها و علما و اندیشمندان نظرات ودیدگاه‌های مختلفی وجود دارد.

براساس نتایج حاصل از تحقیقات انجام‌شده، مالیات در تمام سیستم‌ها و حکومت‌ها مورد توجه بسیار می‌باشد. بررسی‌ها نشان می‌دهد در مورد زکات دو دیدگاه وجود دارد: دیدگاه نخست؛ پایه‌های مالیاتی زکات را تنها ۹ مورد می‌داند ودیدگاه دوم که پایه‌های زکات را منحصر به این ۹ مورد نمی‌داند و آن را براساس شرایط مکانی و زمانی قابل تغییر می‌داند. در شریعت اسلامی به مسئله توزیعی مجدد درآمد و اثر توزیعی این نوع مالیات توجه بسیار شده، به‌طوری‌که از ۸ مورد مصرف این مالیات ۵ مورد آن به فقیران و تهیدستان اختصاص داده شده است. در سایر کشورهای اسلامی مالیات زکات از تمام موارد تولید درآمد و ثروت دریافت می‌گردد (عظیمی‌دخت، ۱۳۹۰).

۲. انواع درآمدهای حکومت اسلامی

طی سال‌های متمادی در تاریخ، بسیاری از دولت‌های اسلامی به‌منظور افزایش درآمد دولت و برای پوشش هزینه‌های اداره حکومت اسلامی، مخارج دفاع از سرزمین‌های اسلامی، اداره مراجع قضائی، بهداشت و سلامت عمومی، آموزش‌وپرورش، حمل‌ونقل، آبیاری مراتع کشاورزی و بسیاری از تسهیلات مورد نیاز مسلمانان در جهت سیاست ارتقای اقتصادی و اجتماعی جامعه اسلامی اقدام به وضع و وصول مالیات نموده‌اند که همگی این نوع مالیات‌ها از دیدگاه اسلامی مجاز بوده است.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-23]

منابع درآمد عمومی یک جامعه اسلامی که منطبق با سنت و قرآن بیان می‌شود در ۳ طبقه قرار می‌گیرند: غنائم، صدقات و فی (اسلامی، ۱۹۹۲).

غنائم؛ به دارایی‌هایی اشاره دارد که پس از جنگ با افراد غیرمسلمان نصیب مسلمانان می‌شود و بر اساس سوره انفال $\frac{۱}{۵}$ آن سهم دولت اسلامی و $\frac{۴}{۵}$ آن عموماً به مبارزان حاضر در جنگ داده می‌شود. این نوع درآمد در زمان پیامبر اسلام به‌عنوان منبع ویژه‌ای به حساب می‌آمد.

صدقه؛ به‌طور جامع مترادف با زکات درنظر گرفته می‌شود. عموماً، زکات بخشی از ثروت افراد است که برای افراد مستمند و فقیر در نظر گرفته می‌شود (شبیق، ۱۹۹۱).

فی؛ غنیمت واگذار شده توسط دشمن بدون جنگ و خونریزی است. این نوع درآمد نوعی هدیه، تکریم یا جریمه مالی از طرف افراد یا کشورهای غیرمسلمان به دولت اسلامی است. از این نوع مالیات می‌توان به جزیه، خراج، تعرفه‌های گمرکی و اکتشاف گنج اشاره نمود (احمد، ۱۹۸۹)

جزیه؛ نوعی درآمد مالی است که از طرف افراد غیرمسلمان به‌دلیل زندگی در کشورهای مسلمان پرداخت می‌شود تا از حمایت دولت اسلامی برخوردار شوند و این افراد تعهدی نسبت به دفاع از دولت اسلامی ندارند.

خراج؛ درآمد ناشی از مالیات بر زمین‌های کشاورزی خارج از دولت اسلامی است که به تصرف مسلمانان درآمده است.

تعرفه؛ نوعی حق گمرکی است که بر کالاهایی که وارد کشورهای اسلامی می‌شود تعلق می‌گیرد، خواه این کالاها در جامعه اسلامی مصرف شود یا اینکه از کشور اسلامی به‌عنوان یک معبر استفاده گردد. به‌طور خلاصه این نوع مالیات از تجار کشورهای دیگر اخذ می‌گردد. در صورتی‌که درآمد ناشی از خراج، غنیمت و فی، کافی و با اهمیت باشد دیگر نیازی به وضع مالیات‌های دیگر نیست، در حالی‌که براساس اصول اسلامی در صورت عدم کفاف مالیات‌های مذکور، وضع مالیات‌های دیگر ضروری و الزامی است (القرداوی، ۱۹۸۰).

۳. مفاهیم اساسی مالیات

مالیات به‌عنوان یک پرداخت اجباری به دولت بر اساس یک پایه مالیاتی مشخص تعریف می‌گردد. (مایکسل، ۲۰۰۳) . مالیات اهمیت اقتصادی و سیاسی بالایی دارد (کانولی و مونرو، ۱۹۹۹)

برخی نظریه‌پردازان اسلامی، مالیات اسلامی را اینگونه تعریف کرده‌اند: "مالیات اسلامی حقی معلوم است که قانون‌گذار اسلامی، بر دارایی افراد واجب کرده است". این حق به‌صورت نقدی و غیرنقدی بنا به شروط معین و با تکیه بر دستورالمعل‌های مالی دریافت می‌شود و هر فرد چه در

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-23]

حمایت دولت اسلامی یا خارج از این محدوده باشد، مکلف به پرداخت حقی است که بر ذمه دارد (عزیزی، ۱۳۹۰).

هانسون (۱۹۷۲)، دولت‌ها برای مدتی طولانی جهت پوشش هزینه‌های اداری، دفاعی و هزینه‌های عمومی کشور از افزایش مالیات بر درآمد بهره می‌بردند و در پاره‌ای از موارد نیز پادشاهان مستبد به‌منظور مخارج شخصی خویش اقدام به وصول مالیات مضاعف می‌نمودند. امروزه مالیات فقط با آن اهداف اخذ نمی‌گردد و از مالیات برای پیشبرد اهداف اقتصادی و اجتماعی استفاده می‌شود. این ابزار یک مشارکت اجباری با دولت است که در جهت اجرای مسئولیت‌های سیاسی و اقتصادی دولت به‌کار گرفته می‌شود. دولت و مالیات مکمل یکدیگرند و حیات هریک بدون دیگری امکان‌پذیر نمی‌باشد. از دیگر عوامل وضع مالیات می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

- بررسی و پیگیری کالاهای زیان‌آور یا کالاهایی که در مصرف آن‌ها اسراف صورت گرفته است.
- توزیع مجدد دستمزدها به‌منظور تشویق کارگران برای تغییر فعالیت از یک صنعت به صنعت دیگر
- کاهش نابرابری درآمدها

به‌طور کلی دو اصل وضع مالیات وجود دارد: اصل نسبت، اصل تصاعدی.

اصل اول (اصل نسبت)، به‌این‌معنا است که مالیات‌ستانی باید به نسبتی از درآمد صورت گیرد. این اصل توسط آدام اسمیت، اقتصاددان مشهور اسکاتلندی حمایت می‌شود و بر اساس آن با افزایش درآمد منصفانه‌ترین شیوه محاسبه مالیات منظور می‌گردد.

اصل دوم (اصل تصاعدی)، پیشنهاد می‌کند که مالیات پرداختی بیشتر از نسبت درآمد افزایش‌یافته، افزایش یابد و بر مالیات مضاعف در درآمدهای بالاتر تأکید دارد.این شیوه مالیات جزئیات بیشتری از مالیات‌دهندگان و مالیات‌ستانان ارائه می‌دهد. صاحب‌نظران معتقدند که ملاک و معیار اصلی در طراحی یک ساختار مالیاتی در نظر گرفتن قاعده انصاف و تساوی حقوق است. دو اصل فوق هر یک خصوصیات منحصر به‌فرد خود را دارد، اما بر اساس هردو اصل باید به این نکات توجه نمود:

- دولت‌ها باید تلاش کنند که تسهیلات لازم جهت پرداخت و وصول مالیات را فراهم نمایند.
- از لحاظ اقتصادی نیز دولت‌ها از تحمیل مالیات‌هایی با هزینه جمع‌آوری مفرط اجتناب نمایند.

اغلب یکی از مؤثرترین ابزارهای درآمدی هر کشوری برای ارتقای سطح رفاه جامعه و رسیدن به پیشرفت‌های مورد انتظار وصول مالیات است و همه افراد باید جهت رسیدن به‌این هدف به وظایف فردی خود در قبال جامعه عمل نمایند.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-23]

بر اساس قاعده تئوری عواطف اخلاقی اسمیت فردی که آرزوی پیشرفت ندارد یک شهروند خوب و ایده‌ال محسوب نمی‌شود، زیرا آسایش جامعه در گروی پیروی هر فرد از تکالیف شهروندی خویش است. بر این اساس ظرفیت مالیاتی توسط اسمیت به‌این‌صورت تعریف می‌شود: ثروت و قدرت هر کشوری به میزان ارزش سالانه تولیدات آن کشور و وجوه دریافتی ناشی از همه مالیات‌هایی که باید وصول شود، بستگی دارد (هولاندر، ۱۹۷۳).

٤. مالیات و زکات در اسلام

درآمدهای دولت‌های اسلامی شامل زکات، مالیات و تعرفه‌های مشخصی است. بر اساس آیات قرآن و احادیث، زکات مالی است که به‌منظور پاکی و وارستگی انسان‌ها و تأمین مالی مستمندان وضع گردیده و سبب افزایش روزی و وفور اموال و امنیت اقتصادی در جامعه است (کرمی و پورمند، ۱۳۸۵).

با وجود اینکه خداوند در قرآن کریم تنها به موضوع زکات اشاره نموده است، اما دانشمندان اسلامی نتیجه گرفته‌اند که دولت‌های مسلمان در کنار زکات باید مالیات و تعرفه‌هایی را نیز وضع نمایند. وضع مالیات در موارد مختلفی اتفاق می‌افتد، ازجمله در مواردی که خزانه مسلمانان بودجه کافی جهت مخارج کشور را نداشته باشد(القرداوی، ۱۹۸۰).

حقوقدانان مسلمان طی سال‌های متمادی بر تصویب توافقنامه‌ای برای وضع مالیات‌های جدید جهت تأمین مالی مخارج ضروری و توزیع عادلانه بار مالیاتی در جامعه اتفاق‌نظر داشته‌اند. آن‌ها همچنین بر ضرورت عدم هزینه پول مالیات به روش‌هایی غیرمعقولانه و تجملاتی تأکید نموده‌اند. مقوله مالیات از نیازهای یک جامعه بوده و در مواردی که دولت درآمد کافی برای پوشش هزینه‌های حکومتی را ندارد، این درآمد به‌صورت مالیات اجباری اخذ می‌گردد.

پورفرج و انصاری (۱۳۹۰) تفاوت‌های موجود مالیات‌های اسلامی با مالیات‌های معمول در کشورهای مختلف را به‌شرح زیر ارائه داده‌اند:

– مالیات اسلامی مالیاتی عبادی است اما مالیات متعارف به‌موجب قانون بوده و همانند مالیات اسلامی وظیفه دینی تلقی نمی‌شود. انسان اقتصادی با کردار دینی فرار مالیات اسلامی را نوعی گناه می‌داند، اما فرار مالیاتی در مالیات متعارف، فقط نوعی تخلف قانونی محسوب می‌شود.

– مهم‌ترین هدف مالیات اسلامی باتوجه به مصارف آن (به‌ویژه زکات و خمس) به جهت رفاه، عدالت و رفع فقر است و بیشتر در پی فقرزدایی در جامعه و توازن در مصرف است؛ ولی مالیات اسلامی را نمی‌توان به‌عنوان ابزار سیاست تثبیتی و تخصیصی استفاده نمود.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-23]

– درآمد مالیاتی زکات در تولیدات کشاورزی و دامی به‌صورت کالایی است (بر اساس مقدار کالا) و به شکل کالایی توزیع می‌شود؛ بر این اساس مالیات اثری بر تقاضای کل و آثار منفی مانند تورم بر اقتصاد ندارد. در صورتی‌که مالیات متعارف در اجزای مختلف مانند مالیات در مصرف کالا (مالیات فروش، یا مالیات واحد) بار مالیاتی و زیان اجتماعی ایجاد می‌کند و بر سطح درآمد، هزینه بنگاه، انتخاب خانوار اثرگذار بوده و تورم و کاهش رفاه را به‌دنبال دارد.

– در اقتصاد سنتی برای تسریع بهبود توزیع درآمد مالیات‌های تصاعدی پیشنهاد می‌شود درصورتی که در عمل مشاهده شده نظام مالیاتی تصاعدی قانونی به‌ندرت منتج به نظام‌های تصاعدی مؤثر شده‌اند و اغلب به‌خاطر تفاوت در برخورداری از امکان فرار در بین گروه‌های پرداخت‌کننده مالیاتی منجر به نابرابری‌های افقی اساسی شده‌اند؛ اما بررسی‌ها نشان می‌دهد اثر توزیعی مالیات‌های‌اسلامی نسبت به مالیات‌های متعارف بیشتر می‌باشد و مالیات‌های اسلامی علی‌رغم دارا بودن نرخ یکنواخت به‌واسطه معافیت‌های درنظر گرفته شده مالیات‌های تصاعدی با نرخ تصاعد ملایم می‌باشند.

– درمالیات اسلامی، لازم نیست مالیات به دولت پرداخت شود بلکه شخص پرداخت‌کننده جایز است (با اجازه حاکم شرع یا مرجع تقلید) در مصارف یادشده خرج کند؛ اما در صورتی‌که حاکم اسلامی دستور دریافت زکات را صادر کند بر همه مؤدیان واجب است که آن‌را به دولت پرداخت کنند؛ اما در مالیات‌های متعارف، جمع‌آوری مالیات و مصرف آن جزء اختیارات دولت است.

۵. فواید پرداخت زکات

قرآن مجید در سوره‌های بقره، نساء، مائده، اعراف، توبه،کهف، مریم، انبیاء، حج، مؤمنون، نور، نحل، روم، لقمان، احزاب، فصلت،مجادله، مزمل، بینه، به تفصیل درباره وجوب زکات، منافع دنیوی و اخروی زکات و حرمت منع زکات آیاتی نازل نموده است.فلسفه وجوب زکات آزمایش اغنیا و باز شدن در کمک و یاری به روی محتاجان است. این کار موجب توزیع مطلوب و منصفانه ثروت در بخش‌های مختلف یک نظام اسلامی می‌گردد. از سوی دیگر، از اهداف اصلی مقوله زکات تطهیر و خالص‌سازی مال و دارایی است؛ زیرا با پرداخت زکات، بخشی ازحقوق افراد وابسته به فرد زکات‌دهنده ادا می‌گردد. این دیدگاه از آنجا ناشی می‌شود که بر اساس مفاهیم اسلامی تمام ثروت در دست افراد، امانتی از سوی خداوند متعال بوده و صاحب و مالک اصلی تنها خداوند است (ابدالتی، ۱۹۸۰). شرایط دارایی‌ها و درآمدهای زکات‌پذیر، به‌صورت ویژه در شریعت اسلام تعیین گردیده است. زکات به‌طور سنتی علاوه بر پول به کالاهای تجاری، چهارپایان، محصولات

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-23]

کشاورزی و مواد معدنی مانند طلا و نقره تعلق می‌گیرد. از این دیدگاه و قیاس مواردی که به‌عنوان زکات در شریعت اسلامی در نظر گرفته شده‌اند، به سپرده‌های بانکی و اوراق بهادار نظیر سهام و اوراق قرضه نیز زکات تعلق می‌گیرد (القرداوی، ۱۹۸۰).

به‌طور کلی، پرداخت زکات بر دارایی‌هایی است که مازاد بر نیاز فرد یا افراد وابسته به اوست و به دارایی‌های مولد زکات تعلق نمی‌گیرد. بر این اساس، بسیاری از اشکال مختلف درآمد و ثروت تا زمانی که به‌عنوان دارایی یا اموال با ارزش به‌حساب می‌آیند و بیشتر از مصرف اشخاص می‌باشد باید به‌عنوان زکات در نظر گرفته شوند تا به‌دست افراد نیازمند رسانده شود. زکات بر همه اقلام با ارزشی که مازاد بر نیاز است تعلق می‌گیرد (بکر، ۱۹۹۸). اگر تمام مردم ادای زکات کنند، مسلمان فقیر و نیازمندی پیدا نمی‌شود و هر محتاجی به آنچه خداوند واجب کرده بی‌نیاز خواهد شد. مسئله زکات به‌قدری پر اهمیت است که حضرت صادق علیه السلام می‌فرمایند:"به هر مویی از موهایت و هر لحظه‌ای از لحظاتت زکاتی واجب است!" (انصاریان، ۱۳۹۰). فوائد بسیاری بر دادن زکات مترتب است که برخی از آن‌ها بر اساس روایت‌های موجود عبارتند از:

- رحم به ضعفا و مساکین و درماندگان و درست کردن سدّی در برابر گرسنگی، عریانی و نیازمندی آنان
- تحریض بر کمک به بیچارگان و یاری آنان در امر دینشان
- زیاد شدن اموال اغنیاء و رشد آن‌ها علی‌رغم این‌که به‌نظر می‌رسد با دادن زکات از اموال کم می‌شود.
- حفظ اموال و جلوگیری از تلف شدن آن‌ها
- وادار کردن نفس به صبر و تحمّل و بذل و بخشش
- جلوگیری از عذاب و قحطی
- جلوگیری از تلف شدن دام‌ها و حیوانات
- زیاد شدن روزی
- خاموش کردن غضب پروردگار

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-23]

٦. تغییر به‌سمت تحقق مالیه اسلامی

مالیه اسلامی یک بازار در حال رشد است و براساس برآوردهای انجام‌شده رقم دارایی‌های این بازار وسیع در سال ۲۰۰۸ به ۹۵۱ میلیارد دلار رسیده و این در حالی است که این رقم در اواسط دهه ۹۰ میلادی در حدود ۱۵۰ میلیارد دلار تخمین زده شده است. بانک جهانی این دارایی‌ها را اغلب سرمایه‌های بانکی، انتشار صکوک و وجوه موجود در حساب شرکت‌های بیمه اعلام نموده است (هیئت مالیاتی استرالیا، ۲۰۱۰)[1].

خدمات مالی ارائه شده بر مبنای مالیه اسلامی منطبق با شریعت و قوانین اسلامی بوده و بر اساس صلاحدید و اجازه حاکمان شرع این خدمات قابل تغییر و تعدیل می‌باشند. ارائه خدمات و گزارشات مالی در مؤسسات مالی اسلامی بر اساس اصول منطبق بر فقه اسلامی بوده و نیازمند به‌کارگیری شروط زیر است:

- ممنوعیت بهره بانکی بر اساس تغییر ارزش زمانی پول
- ممنوعیت ابهام یا عدم شفافیت کامل در ارتباط با بازه زمانی قراردادهای مالی
- ممنوعیت سرمایه‌گذاری در بخش‌هایی که از نظر شرعی حرام و ممنوع است.
- ممنوعیت در نظر گرفتن سود مطلق در خدمات مالی و تسهیم سود و زیان حاصله بین طرفین

بررسی‌ها نشان می‌دهد بسیاری از کشورهای دنیا در حال تغییر قوانین مالی و مالیاتی خود به‌سمت مالیه اسلامی هستند. برای مثال کشور انگلستان در تغییرات اخیر خود نحوه برخورد با مالیات بر درآمد و مالیات بر ارزش افزوده را بر اساس نحوه برخورد مالیه اسلامی با موضوع بهره، تعدیل و رهنمودی در این خصوص منتشر نموده است. ایرلند در مقوله معاملات اعتباری، سپرده‌گذاری بانکی و معاملات سرمایه‌گذاری به معرفی و اجرای راهکارهای اسلامی پرداخته است. فرانسه در قوانین مالیاتی خود تغییری اعمال ننموده، اما رهنمودی برای تشریح نحوه مواجهه قوانین اسلامی با موضوع مالیات منتشر نموده است. سنگاپور به همسان‌سازی معاملات و خدمات مالی مرسوم و خدمات منطبق بر اصول اسلامی پرداخته است. مالزی به‌عنوان یک قطب کلیدی و جهانی در مالیه اسلامی، به تصویب قوانین مالیاتی بر مبنای قوانین و اصول اسلامی پرداخته و مشوق‌هایی را برای حرکت سریع‌تر به‌سمت اجرای این مصوبات برای مالیات‌دهندگان در نظر گرفته است. اندونزی قوانین ویژه‌ای را که بر اساس آن ساختارهای مالی معتبر شناسایی و معرفی می‌گردند، تدوین و برای اطمینان‌بخشی از عدم اخذ مالیات مضاعف بر اساس قوانین اسلامی فرهنگ سازی می‌نماید. کره‌جنوبی در جهت حذف موانع مالیاتی استفاده از صکوک به‌عنوان یک ابزار مالی اسلامی اقدام

1. Australian Board of Taxation

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-23]

نموده است. در استرالیا نیز کمیته مالیاتی استرالیا، در حال بازبینی رفتار مالیات اسلامی برای توصیه آن به‌عنوان یک راه‌حل ممکن می‌باشد. همانگونه که اشاره شد برخی از کشورهای دنیا در قوانین مالی و مالیاتی خود مالیه اسلامی را به‌عنوان جایگزین مناسبی به‌کار برده‌اند. این تجربه‌های جهانی می‌تواند به منزله ابزاری مفید برای هر کشوری استفاده شود(واتس و همکاران، ۲۰۱۰).

۷. حسابداری اسلامی یکی از ملزومات تحقق مالیه اسلامی

شاخه‌ای از حسابداری که فعالیت‌ها و وظایف خود را جهت دستیابی به اهداف متعالی و اخلاقی منطبق بر شریعت اسلامی بنا می‌نهد حسابداری اسلامی نامیده می‌شود(مهدوی‌خو و ختن‌لو، ۲۰۱۲).

بر اساس یک سیستم حسابداری اسلامی، شناسایی، اندازه‌گیری، ثبت و تجزیه‌وتحلیل فعالیت‌های مالی یک واحد تجاری، براساس اصول و قوانین اسلامی صورت می‌گیرد (اثرو اولاه، ۲۰۰۹).

عموماً در این شیوه حسابداری فرایندهای حسابداری به شکلی در کنار هم قرار گرفته‌اند که سهامداران، استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی و آحاد جامعه اطمینان می‌یابند که اطلاعات مالی و غیرمالی مورد نیازشان که توسط مؤسسات مالی و پولی ارائه می‌گردد، مبتنی بر اصل حسابدهی نهایی به خداوند متعال است (حمید،۲۰۰۰). با توجه به اینکه شریعت اسلامی قوانین و مقررات خاصی را برای فعالیت‌های تجاری مشخص نموده است، توسعه و گسترش مبانی نظری و کاربردی این شیوه حسابداری نیاز به آگاهی و اطلاع کاربران این اطلاعات دارد.

از سوی دیگر باید به این نکته توجه نمود که چارچوب سیستم‌های حسابداری غربی تمایزی بین اخلاق و تعهد حرفه‌ای و شخصی افراد قائل می‌گردد. بدیهی است این دیدگاه نشأت گرفته از دکترین و تئوری‌های اخلاقی موجود در سیستم‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جوامع غربی بوده و با جوامع اسلامی تفاوت دارد(سلیمان، ۲۰۰۳).

در دیدگاه اسلامی، یک سیستم حسابداری نه‌تنها باید وظیفه تهیه اطلاعات مالی را برای کاربران اطلاعات، سیستم اقتصادی و به‌طورکلی جامعه به‌درستی انجام دهد بلکه مکلف است بر اساس وظیفه حسابدهی خود این اطلاعات را منطبق بر دستورات الهی تهیه و افشا نماید (عبدالرحمان، ۲۰۰۳).

اگرچه کشورهایی مانند ایران، مصر، عربستان و پاکستان به‌عنوان کشورهای اسلامی شهرت یافته‌اند، اما کشورهایی مانند مالزی و بحرین نقش فعالی در گسترش و نهادینه‌سازی مؤسسات مالی بر مبنای حسابداری اسلامی داشته و این کشورها به‌سمت تدوین استانداردهای حسابداری، حسابرسی و حاکمیت شرکتی اسلامی گام برداشته‌اند (حنیف وحودیب،۲۰۱۰).

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-23]

با توجه به‌مطالب مذکور و ضرورت موجود برای گسترش مفاهیم مالیه و مالیات اسلامی و بهره‌گیری از ظرفیت بالقوه مالیات‌های اسلامی که منطبق با قوانین و شریعت اسلامی پایه‌ریزی شده‌اند، اکنون وقت آن رسیده که با نگرشی مجدد به مفاهیم، اصول و استانداردهای حسابداری، اقتصاد، بانکداری و رشته‌هایی نظیر آن، به‌سمت تدوین و به‌کارگیری چارچوب تئوریک مدیریت مالی- اسلامی گام برداشته و با سرلوحه قرار دادن اخلاق و معارف اسلامی بستر مناسب برای ایجاد یک سیستم جامع مالی- اسلامی فراهم گردد. توجه به مفاهیم اخلاقی در مباحث مالی به ارتقای کیفیت گزارشگری مالی منجر می‌گردد. هم‌اکنون، شاخه‌ای از اصول اخلاقی از سوی اغلب کشورهای اسلامی ارائه می‌شود که به اخلاق اسلامی- تجاری معروف است. این مجموعه اصول رفتاری، نگرشی اسلامی بر فعالیت‌های تجاری داشته و سعی بر القای مفاهیم دینی و اعتقادی در فرایند انجام فعالیت‌های مالی دارد. صاحب‌نظران حسابداری اسلامی معتقدند که باید منبع و کیفیت وصول درآمدها از جنبه مشروعیت و قانونی بودن آن مورد بررسی قرار گیرد. این دیدگاه را به دانشجویان رشته‌های مالی آموزش داد (مهدوی‌خو وختن‌لو، ۲۰۱۲).

۸. نتیجه‌گیری

اگرچه تلاش جهت وصول مالیات حقه دولت، شناسایی پایه‌های مالیاتی اسلامی و کاهش شکاف عمیق موجود بین ظرفیت بالقوه و بالفعل کشور از اساسی‌ترین مباحث و بسترسازی مناسب و تلاش مضاعف برای تحقق آرمان‌های متعالی یک جامعه اسلامی و مشارکت افراد در این مبحث مهم، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر و از کلیدی‌ترین برنامه‌های یک دولت اسلامی است، اما با توجه به ویژگی‌ها و آثار مالیات از دیدگاه اسلام و تفاوت‌های آن با مالیات در مکتب‌های دیگر مشخص می‌شود که برنامه‌ریزی جهت وصول و ارتقای مقوله تمکین مالیاتی مؤدیان مالیاتی نیز باید بر اساس این خصوصیات و ویژگی‌ها مدنظر قرار گیرد. ویژگی‌هایی نظیر داشتن نگاه عبادی و اخلاقی به موضوع مالیات در اسلام، اعتماد به حکومت اسلامی جهت توزیع و تخصیص عادلانه منابع جامعه اسلامی و بیت‌المال، پایین بودن هزینه وصول با توجه به دیدگاه ادای دین و مواردی از این قبیل نشانگر آن است که‌می‌توان با فرهنگ‌سازی مناسب و تبیین چیستی و چرایی مالیات در جامعه اسلامی و استفاده از ظرفیت‌های موجود براساس ویژگی‌های فوق وصول مالیات‌های اسلامی را با سهولت و هزینه پایین‌تری ممکن نمود و سطح تمکین مؤدیان نسبت به پرداخت انواع مالیات را ارتقا داد.

بدیهی است اهداف مالیاتی دولت اسلامی زمانی تحقق خواهد یافت که آحاد جامعه نسبت به این وظیفه بزرگ احساس مسئولیت نمایند. از این‌رو تشریح و تبیین مبانی و چارچوب مالیه و

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-23]

حسابداری اسلامی درراستای تحقق اهداف متعالی یک حکومت اسلامی، ضروری به‌نظر می‌رسد.

بنابراین با توجه به مباحث تئوریک در مورد مالیات‌های اسلامی، تجربه سایر کشورها و وضعیت فعلی ظرفیت‌های موجود درکشور، تبیین، شناسایی وشناساندن شیوه محاسبه و مبانی اقتصاد و حسابداری اسلامی در کشور باید به‌طور جدی و پیوسته با یک برنامه مدون پیگیری شود. این مهم می‌تواند با برنامه‌ریزی دقیق و منظم و گسترش همزمان برنامه‌هایی در ارتباط با توسعه حسابداری اسلامی و معرفی مبانی منطبق با اصول و مقررات اسلامی در قالب یک الگوی ایرانی- اسلامی، شرایط اجرا و پیاده سازی مالیات‌های اسلامی در کشور را به‌وجود آورد.

منابع

پورفرج، علیرضا و حبیب انصاری (۱۳۹۰)،"نقش مالیات اسلامی زکات در رشد و توسعه اقتصادی در مقایسه با مالیات‌های متعارف"، مجموعه مقالات سومین همایش مالیات‌های اسلامی، قم، دانشگاه مفید.

عزیزی، سعید(۱۳۹۰)،"بررسی ارتباط بین مالیات اسلامی و مالیات جدید"، مجموعه مقالات سومین همایش مالیات‌های اسلامی، قم، دانشگاه مفید.

عظیمی‌دخت شورکی، سید محسن (۱۳۸۷)،*مالیات‌های اسلامی و اثر توزیعی آن*، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد رشته معارف و اقتصاد، دانشگاه امام جعفر صادق (علیه السلام).

کرمی، محمدمهدی و محمد پورمند (۱۳۸۵)، *مبانی فقهی اقتصاد اسلامی*، تهران: انتشارات سمت.

Abdalati, H. (1980), Islam in Focus, Islamic Teaching Centre, Riyadh, PP. 126-129.

Abdul Rahman, A. R. (2003), Ethics in Accounting, *IIUM Journal of Economics and Management*, Vol. 11, No.1, PP. 2-8.

Ahmad, S.M. (1977),*Economics of Islam: AComparative Study*, S.M.A., Lahore.

Ahmad, Z. (1989),"Public Finance in Islam", International Monetary Fund Working Paper, Islamabad, Pakistan.

Al-Qardawi, Y. (1980), Fiqh-al Zakah (Urdu), IdarahDawat al-Quran, Bombay.

Australian Board of Taxation (2010),"Review of the Taxation Treatment of Islamic Finance", Discussion Paper, PP. 2-6.

Ather, S. M.& M. H.Ullah (2009),"Islamic Accounting Systems and Practices, Accounting Systems: The Cost and Management", November- December, 1-16.

Bakar, M.D. (1998),*The Malaysian Zakah System: Law and Policy Reform, Seminar on Zakah and Taxation*, Organized by Kulliyah of Economics and Management, International Islamic University, Malaysia, 8-9 June.

Connolly, S. &A.Munro (1999),*Economics of the Public Sector*, Prentice Hall, England.

Hameed, S. (2000),*TheNeed for Islamic Accounting: Perception of Its Objectives and Characteristics by Malaysia Accountants and Academics*, Ph.D. Thesis. University of Dundee.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-23]

Haniffa, R. &M.Hudaib (2010),"Islamic Finance: from Sacred Intentions to Secular Goals?",*Journal of Islamic Accounting and Business Research*, Vol. 1, No. 2, PP. 85-91.

Hanson, J.L. (1972), *A Textbook of Economics*, Sixth Edition, Macdonald and Evans, London.

Hollander, S. (1973),*The Economics of Adam Smith*, Heinemann, Canada.

Islahi, A. A. (1992),*Economic Concepts of IbnTaimiyyah*, Ins. Sadeq, A.M. and Aidit, G. (edit.), Issues in Islamic Economics: Readings in Islamic Economic Thought: PP. 119-156,

Mahdavikhou, M. & M. Khotanlou (2011),"The Impact of Professional Ethics on Financial Reporting Quality",*Australian Journal of Basic and Applied Sciences,*Vol. 5, No. 11, PP. 2092-2096.

Mahdavikhou, M. &M.Khotanlou (2012),"New Approach to Teaching of Ethics in Accounting Introducing Islamic Ethics into Accounting Education", *Procedia - Social and Behavioral Sciences*,Vol. 46, PP. 1318 – 1322.

Mikesell, J.L. (2003),*Fiscal Administration: Analysis and Applications*, Sixth Edition, Wadsworth Publishers, California.

Sabiq, S. (1991),*Fiqh us-Sunnah: Az-Zakah and As-Siyam*, Vol. 3, American Trust Publications, Washington.

Sulaiman, M. (2003),"The Influence of Riba and Zakat on Islamic Accounting", Indonesian Management and Accounting Review, Vol. 2, No. 2, PP. 149-167.

Wells, Joseph T. (1993),"Accountancy and white-Collar Crime", the Annals of the Amercian Academy of Political and Social Science,.

Watts, S. C.;Pallotto, C. &J.Bain (2010),TheTaxation Treatment of Islamic Finance in Canada. KPMG, Discussion Paper.

Zaim, S. (1989),*Recent Interpretations on Economic Aspect of Zakah*, Ins. Imtiazi, I. A., et al. (edits), Management of Zakah in Modern Muslim Society, IRTI/IDB: Jeddah, PP. 101-120.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-23]